



## ربیع الأول - سال دوم (نجم: ۱-۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالتَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

سوگند به ستارگان، هنگامی که غروب می کنند! «۱» که همنشینتان [محمد صلی الله علیه و آله از آیینی که او را به اهداف عالی و مثبت می رساند] منحرف نشده، و [در اعتقادش به آن آیین] به خطا نرفته است «۲» از روی هوا و هوس سخن نمی گوید «۳» منطقتش جز وحی که [به سویش] فرستاده می شود نیست «۴»  
 شیخ صدوق به سند خود نقل می کند که امام باقر علیه السلام به نقل از پدران گرامیش علیهم السلام می فرمایند: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله بیمار شدند، همان بیماری که باعث رحلتشان شد، خانواده و یاران خود گرد او جمع شدند و عرض کردند: ای رسول خدا! اگر اتفاقی برای شما بیفتد، چه کسی جانشین شما خواهد شد و چه کسی در میان ما امر شما را برپا خواهد کرد؟

حضرت به آنان جوابی ندادند و سکوت پیشه کردند. وقتی روز دوم فرا رسید، همان سؤالها را تکرار کردند، باز به آنان هیچ جوابی ندادند. وقتی روز سوم فرا رسید، همان سؤالها را از ایشان پرسیدند و عرض کردند: ای رسول خدا! اگر اتفاقی برای شما بیفتد، چه کسی پس از شما جانشین خواهد شد و چه کسی امر شما را در بین ما برپا خواهد کرد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمودند: اگر فردا ستاره ای از آسمان در خانه ی مردی از یاران من افتاد، نگاه کنید ببینید او کیست؟ او پس از من جانشین من در میان شما است و او همان کسی است که امر مرا در میان شما برپا خواهد داشت. در میان آن جمع کسی نبود که تمایل نداشته باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او بفرماید: تو جانشین من خواهی بود.

وقتی روز چهارم فرا رسید، هر یک از آن مردان در خانه اش نشسته بود و منتظر فرو افتادن آن ستاره بود. اگر ستاره ای از آسمان فرو می افتاد، نور آن از نور دنیا بیشتر بود، تا این که در خانه علی علیه السلام افتاد. آن گروه نگران و مضطرب شدند و گفتند: این مرد به بیراهه رفته و گمراه شده است و درباره ی پسر عموی خود از روی هوی و هوس سخن می گوید. خداوند تبارک و تعالی در این باره این آیات (آیات سوره نجم) را نازل کردند.<sup>۱</sup>



در نقل دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرمایند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من سرور مردم هستم و هیچ افتخاری بالاتر این نیست، و علی سرور مؤمنان است. بار خدایا دوست بدار آن کس را که او را دوست دارد، و دشمن باش آن کسی را که با او دشمنی ورزد. مردی از قریش گفت: به خدا قسم که او دست از حمایت پسرعمویش بر نمی‌دارد. پس خداوند این آیات را نازل کرد: ﴿۱﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى ﴿۲﴾ وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿۳﴾ یعنی این کلامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی پسرعمویش می‌گوید از روی هوی و هوس نیست، بلکه چیزی جز وحی نیست. إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿۴﴾<sup>۱</sup>